

# هم‌نووا با نواای اصیل رشد در هستی

۲  
توق

نشریه نوا | شهریورماه ۱۳۹۳ | ۸ صفحه | ۴۰۰۰ نسخه

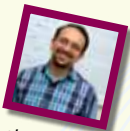
آمده است تا درباره اهمیت دوران طلایی کودکی سخن بگوید و به پدران و مادران و مربیان کمک کند تا ویژگی های رشدی و ارتباطی این دوره را بهتر بشناسند و از آن بهره ببرند.

سرمقاله

## دیدن، شگفتی، کشف

خورشید در حال پایین رفتن است، قدم هایم را تند تر بر می دارم، همیشه عجله دارم، دست او را هم گرفته ام و با همان شتاب با خودم می برم، گاهی احساس می کنم پاهایش از روی زمین بلند می شود، اما توجهی نمی کنم. نمی دانم چه می شود که همیشه وقتی در کوچه راه می رویم مدام دختر ۴ ساله ام می خواهد بایستد! مگر کوچه برای رد شدن نیست؟! برای همین بیشتر مواقع باید دستش را سفت بگیرم و با خودم بکشم. مثلاً همین دیروز مدام بر می گشت، پشتش را نگاه می کرد و می دوید و دوباره نگاه می کرد.

چیزهای زیادی اطرافمان هست که کودکان می خواهند آنها را کشف کنند، می خواهند با دقت نگاهشان کنند، نمی خواهند سُر سُر بگذرند، مورچه ها و سایه ها و صداها برایشان تازه اند. آنها همیشه مشتاق اند، مشتاق دیدن، مشتاق شنیدن، مشتاق خود را به چیزی شبیه کردن، مشتاق ور رفتن و



علی ترفی‌جاه

# دیدن،

# شگفتی،

# کشف

کشف کردن. شاید کودکان راجع به خیلی از چیزها کمتر از ما بدانند ولی شاید اصلی ترین قابلیت برای یادگیری را قوی تر از ما دارند و آن قدرت کشف است.

تازه دیدن، باعث شگفتی می شود و شگفتی، انرژی کشف به آدم می دهد. نگاهی به زندگی فرزندانمان بیاندازیم، در روز چند بار می بینیم که آنها از اتفاقاتی که دور و برشان می افتد شگفت زده می شوند، شگفت زدگی از صدای در قابلمه که اگر اجازه دهیم می خواهد بارها و بارها این صدا را تولید کند ولی ما نمی خواهیم آنها کارهایی را تکرار کنند و جمله کلیدی ما می شود « چند بار بهت بگم این کار را نکن! » ولی در دوره کودکی و نوجوانی ما هم برای اینکه چیزی را یاد بگیریم همیشه می گفتند: « باید تمرین کنی! »، خیلی وقت ها تمرین کردن برای ما بسیار سخت است ولی می بینیم فرزندانمان کارهایی را بارها و بارها انجام می دهند و برای همین است که یاد می گیرند.

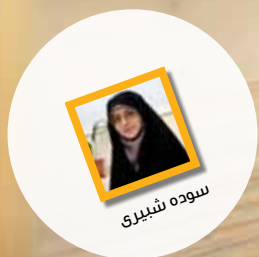
اگر کشف جزء زندگی کودک است و فرصت رشد او را فراهم می کند، همونوا شدن با کشف، این است که ساعت هایی من هم دستم را به دست دخترم بدهم و اجازه بدهم او مسیر را تعیین کند، هرچا می خواهد بایستد، به چه چیزهایی می خواهد دقت کند و سوال هایی که می خواهد پرسد. همونوا شدن با او یعنی من نیز در فضای کشف قدم بردارم، چرا که همه چیز فرصت کشف دارد، حتی چیزهایی که هر روز تکرار می شوند، مثل بالا و پایین رفتن خورشید، چرا که اگر ارزش فکر کردن و تامل نداشت، خداوند در آیات مختلف قرآن ما را به آن فرا نمی خواند.





# بیست سال بعد ...

تا حالا به تصویر کودکان در بیست سال بعد فکر کرده اید؟ اگر این تصویر چگونه باشد احساس می کنید که از نقش خود به عنوان مادر یا پدر راضی بوده اید؟



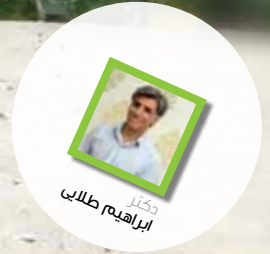
که برای رشدش فراهم کرده ایم و از همه مهم تر نوع بودنمان ارتباط دارد. اگر در لحظه های ساده و معمولی زندگی من ادبیات و شعر حضور دارد و اگر در ارتباطم با دیگران با رعایت ادب و احترام خود را ابراز می کنم، اگر درباره ابرازهایم با فرزندم گفتگو می کنم، اگر از آشپزی و حضور در طبیعت و میهمانی و تمام فرصت های روزانه ام برای یادگرفتن و همراه کردن او در یادگیری هایم استفاده می کنم، یادگیری رنگ ها و شکل ها و فصل ها و آداب معاشرت و خلاصه هر چیزی که تصورم را بکنم، با آهنگ طبیعی رشد او هماهنگ می شود و در این همراهی است که برق چشمان او را می توانم ببینم.

بیست سال بعدمان چه می کند و چه نقشی در رشد و بالندگی فرزندمان دارد؟ می خواهیم ارتباط خوبی با ادبیات، شعر و ریتم پیدا کند یا می خواهیم بتواند به راحتی خود را در مقابل دیگران ابراز کند؟ یا هر هدف دیگری... حالا ببینیم که آیا این اجبار بهترین راه برای رسیدن به آن تصویر است یا نه؟ آیا آهنگ طبیعی رشد و آن چه در اقلیم درون او به ودیعت نهاده شده با این کار به بهترین شکل شکوفا می شود یا راه های بهتری هم وجود دارد؟ یا وقتی اصرار داریم با کارت های رنگی که به دیوار نصب کردیم، فصل ها و رنگ ها و اعداد را به او بیاموزیم یا زمانی که آداب معاشرت را از روی تصاویر « این کار خوب است» و « این کار بچه های بد است» یا یک کتاب می خواهیم به جانش تزییق کنیم. همه این ها از نیست و هدف مهربانانه و خیر ما والدین که بهترین ها را برای فرزندمان می خواهیم، ممکن است سر بزند. اما بهترین کار، پیش از هر چیز با خواست و طلب او، میزان همراهی ما و زمینه ای

این تصویر را در ذهن خود بیاورید. رفتار، گفتار، توانمندی ها و خلاصه هر آن چه که از او می توانید در ذهن تصور کنید. برای راحت تر دیدن تصویر او می توانید به تحصیلاتش، روابطی که با اطرافیانش دارد، شغل و مسوولیت های اجتماعی و سلامت جسم و روانش بیشتر فکر کنید.

این تصویر خیلی وقت ها، دلشوره ها و عجله هایی که برای آموزش و پیشرفت او داریم، به تعادل می رساند. اما نکته ای که پیش از دلشوره ها و عجله ها بهتر است به آن فکر کنیم، سوالاتی ساده است. سوالاتی هماهنگ با آهنگ طبیعی رشد در هستی. این که به دنبال چه هستیم و عمیق ترین راه ها برای رسیدن به اهدافمان چیست؟ منظور از عمیق ترین راه ها، آن هایی هستند که روان تر و ماندگارترند. مثلاً وقتی می خواهیم به هر قیمتی که شده کودک ۵ ساله مان شعر مورد نظرمان را حفظ کند و آن را برای دیگران بخواند، اول از همه این سوال را از خودمان بپرسیم که این کار برای تصویر

# تربیت اوان کودکی (تاک)



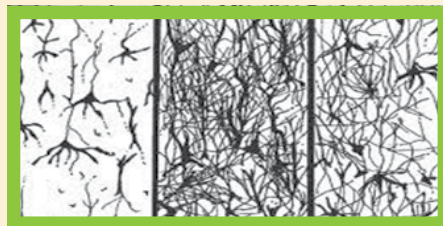
1. Bruer
2. McCain et al
3. Lally
4. Neural sculpting
5. Neural pruning
6. Keating and Hertzman
7. Cole et al
8. Wiring and rewiring



عصبی یا هرس عصبی گفته می‌شود که طی آن مسیرهای عصبی، صیقلی و قدرتمند می‌شوند (کیتینگ و هرتمن، ۱۹۹۹). این مدارها یا مسیرهای عصبی با ترتیب خاصی شکل می‌گیرند و پایه‌ای برای شکل‌گیری مدار بعدی خواهند بود. نکته مهم این است که مسیرهای اولیه پایه‌ای برای مسیرهای بعدی است لذا تعیین‌کننده‌ی کیفیت آن مسیر هم می‌باشد. به همین دلیل برخی پژوهش‌ها همانند پژوهش کول و همکارانش (۲۰۱۲) حتی تا ۱۰٪ تفاوت‌های هوشی کودکان را در کیفیت، قدرتمندی و صیقلی بودن مسیرهای عصبی خصوصاً آنهایی که در قسمت قشر مخ پیش‌پیشانی جانبی - منطقه ای در پشت گیجگاه در پردازش ذهنی و تفکر سطح بالا نقش کلیدی دارد - دانسته‌اند (کول، ۲۰۱۲).

به عبارت دیگر رشد مغز در این دوران را می‌توان یک فرایند سیم‌کشی کردن تلقی کرد که طی آن نورون‌ها مداوماً و طی الگوهای مختلف به هم وصل می‌شوند تا همان مسیرهای عصبی را شکل دهند. در این فرایند نسبت‌ها به تجربیات در شکل‌گیری این مسیرهای عصبی، مانند تمثیل نسبت یک نقشه ساختمان به فرایند ساخت و ساز آن است. همانطور که ممکن است یک نقشه را به دو گروه سازنده بدهید و آنها با توجه به عوامل مختلفی دست به انتخاب مواد و مصالح مختلف بزنند و نتیجه کار، دو ساختمان متفاوت درآید، دو نفری که ساختار ژنتیکی نسبتاً مشابه (دو قلوهای غیر همسان) و یا کاملاً مشابه (دو قلوهای همسان) دارند هم بواسطه مواجهه شدن با تجارب متنوع، در نهایت دو فرد منحصر به خودشان خواهند بود. به دیگر سخن، رشد انسان تابعی است از «ژنتیک از طریق تجربه‌های او» (لالی، ۱۹۹۷).

هنگام تولد اندازه مغز نوزاد، یک چهارم اندازه مغز یک بزرگسال است اما تا سه سالگی این اندازه سه برابر اندازه اولیه‌اش می‌شود. این رشد سبب مغز ارتباط نزدیکی با میزان و کیفیت تعاملات فرد با محیط و تجارب مختلف دارد (بروئر، ۲۰۰۰؛ مک‌کین و همکاران، ۲۰۰۷). علاوه بر اندازه مغز و مهم‌تر از آن، مسیرها یا ارتباطات عصبی بین سلول‌های مغزی است که در این دوران با سرعت و فشردگی بالایی شکل می‌گیرد. در این دوران در هر ثانیه، ۷۰۰ ارتباط عصبی بین نورون‌ها شکل می‌گیرد (لالی، ۱۹۹۷) لذا شبکه انبوه و در هم پیچیده‌ای از ارتباطات بین نورونی تولید می‌گردد (شکل ۱) و در نوجوانی و جوانی اندک‌اندک این تعداد کاهش می‌یابد.



## ۱۵ سالگی ۷ سالگی تولد

شکل ۱: میزان ارتباطات عصبی بین سلول‌های دستگاه عصبی در سه دوره (مک‌کین و همکاران، ۲۰۰۷).

پژوهش‌ها نشان داده است که تغذیه مناسب و ایجاد محرک‌های مطلوب از طریق تعاملات با کیفیت با کودک، هم موجبات فعال‌سازی و تقویت مسیرهای عصبی موجود را فراهم می‌کند، هم تعداد چنین مسیرهایی را زیاد می‌کند و هم مسیرهای بلااستفاده را اصطلاحاً وجین می‌کند. به این فرایند شکل‌دهی و ساخت و ساز و به‌گزینی، صیقلی‌سازی یا حجاری

در مجموعه یادداشت‌های این بخش، در باره چرایی یا ضرورت و اهمیت تربیت اوان کودکی و سپس چگونگی عمل در محیط خانه و مهد(مرکز پیش‌دبستان) برای رسیدن به دستاوردهای مطلوب می‌پردازیم. در بخش چرایی، ادله‌های مربوط در چهار حوزه دسته‌بندی شده‌اند که هر یک وجهی از توجیه و تبیین چرایی پرداختن و اهمیت دادن واقعی به این دوران طلایی را شرح می‌دهد. شاید بتوان گفت اگر از والدین و مربیان و سیاستگذاران بپرسیم آیا دوره اوان کودکی (تولد تا هفت سالگی) مهم است یا خیر، قریب به اتفاق آنها جواب مثبت می‌دهند اما تعداد معدودی می‌توانند چرایی این موضوع را نیز خاطر نشان کنند. اگر چرایی کاری بر کسی مشخص نگردد هر چند ممکن است فرد تا زمانی و به شیوه‌ای، آن کار را انجام دهد اما از رجه پایداری پایینی برخوردار است و هر لحظه خطر توقف توجه به آن حوزه وجود دارد. سوال‌های اصلی این‌هاست:

### چرا هفت سال اول زندگی مهم است؟

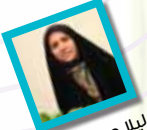
این هفت سال چه تفاوتی با هفت سال‌های دیگر مثلاً ۴۰ تا ۴۷ سالگی دارد؟

مگر در این هفت سال اول چه اتفاقی می‌افتد؟ این اتفاقات دقیقاً در کجا رخ می‌دهد که آنرا این همه مهم می‌کند؟

از منظر ضرورت و اهمیت، سخن حکیمانه حضرت امیر، مهر تایید محکمی بر این اعتقاد عامه است که «العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر»: یادگرفتن در دوران کودکی همچون نقش بر سنگ است که براحتهی رخت بر نمی‌بندد و عمیقاً در وجود آدمی نهادینه می‌گردد. در این شماره از منظر بیولوژیک و آنچه در مغز اتفاق می‌افتد به تبیین چرایی اهمیت «تاک» می‌پردازیم.



# یادگیری تا طعم هویج



لیلا جمالی عالم

مواد لازم:

یک مادر

دو کودک بین ۳ تا ۵ سال

یک کیلو هویج

سه عدد لیوان در اندازه های مختلف

یک دستگاه آب میوه گیری

یک عدد حوله کوچک

ابتدا تعداد هویج بیشتری را بردارد و در دستگاه بیاندازد. اما چون هم اندازه لیوان ها متفاوت است و هم اندازه هویج ها، او احتمالاً به تعداد کمتر یا بیشتری هویج نیاز دارد تا لیوانش را پر کند.

حالا نوبت شماسست، از بچه ها پرسید که به نظرشان باید آب چند هویج را بگیرد تا یک لیوان پر از آب میوه داشته باشید، آن ها براساس تجربه خودشان، پاسخ های مختلفی خواهند داد اما مطمئن باشید که بر مبنای آن چه خودشان تجربه کرده اند و چیزی که با مشاهده کار دوستشان دریافته اند، درک تازه ای از مفهوم اندازه یافته اند و پاسخ شان تنها از روی حدس و گمان نیست. بلکه برای این دادن این پاسخ، محاسبات و تحلیل هایی در ذهنشان انجام گرفته است و با گرفتن آب میوه، اندازه گرفتن را هم آموخته اند.

برای شروع این کار والیته هر کاری که در آن دو یا چند کودک علاقمند و هیجان زده حضور دارند، بهتر است که بین آن ها تعیین نوبت کنیم. من معمولاً از بازی هایی مثل «هر کی تک بیاره»، «گردو شکستم» یا «ده، بیست، سی، چهل...» استفاده می کنم. وقتی نوبت ها مشخص شد از هر کدام از بچه ها می خواهیم تا یک لیوان انتخاب کنند و تعداد هویجی که به نظرشان لازم دارند، بردارند. نفر اول که لیوانش را زیر دستگاه قرارداد، یک هویج درون دستگاه می اندازد و فشار می دهد، بعد هم به لیوانش نگاه می کند و می بیند که هنوز پر نشده، یک هویج دیگر در دستگاه می اندازد و دوباره آبش را می گیرد، تا اینکه لیوانش پر می شود. کودک بعدی هم لیوانش را برمی دارد و حالا که مشاهده کرده یک لیوان با گرفتن آب یک هویج پر نمی شود ممکن است از همان



جنیف، رضا  
جلیلی پور

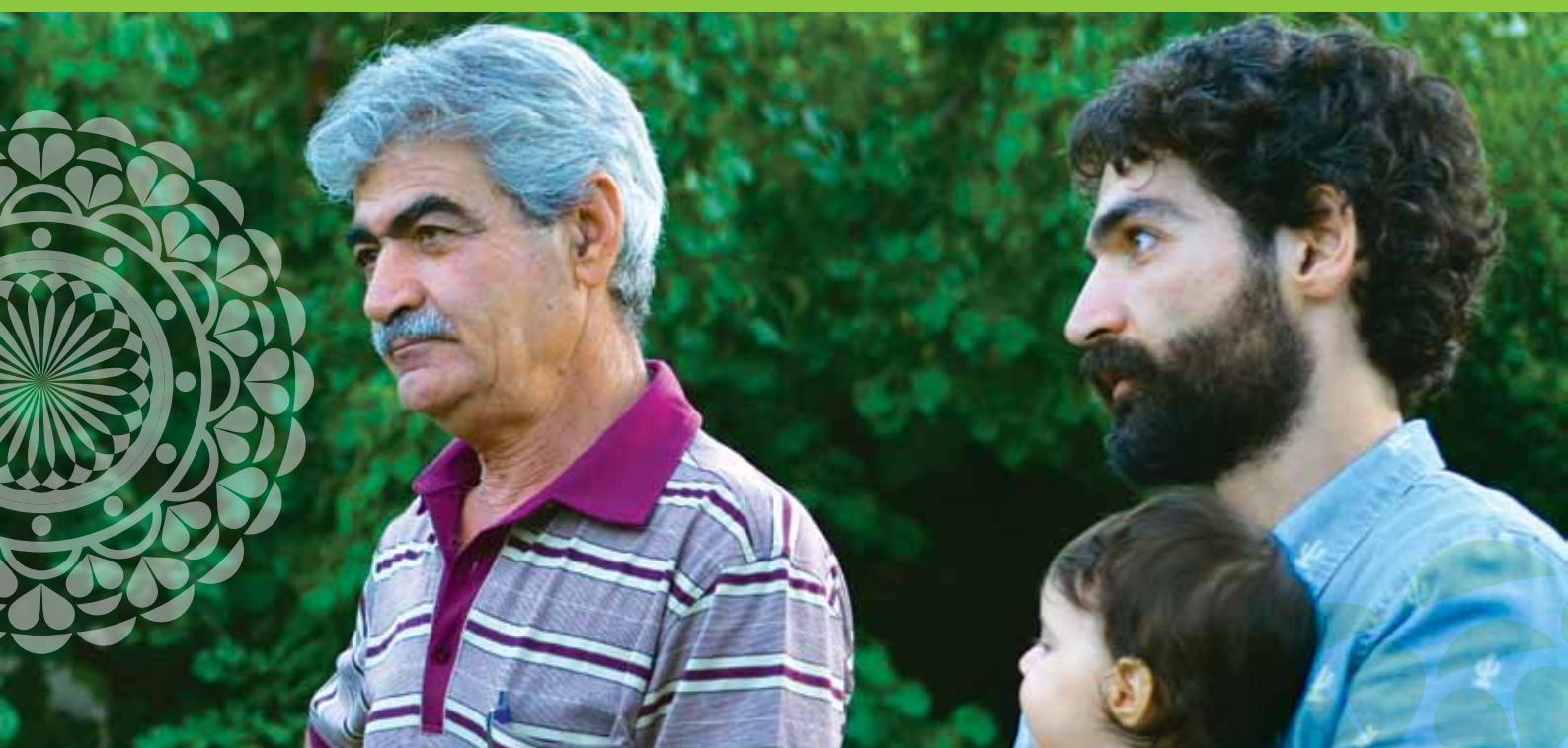
# لحظه‌های پدری

## پسر کو «دارد» نشان از پدر ...

و رئیس هیات مدیره یک شرکت تولیدی موفق در صنعت خودرو است، آدم خوش اخلاق، خوش روحیه و خوش برخوردی است، اخیراً فعالیت آموزشی جالب و تأثیرگذاری را با تعهدی فراوان شروع کرده، به بسیاری از کشورهای دنیا سفر کرده و تقریباً در هر زمینه و هر موضوعی تعداد زیادی دوست و رفیق با معرفت دارد! باز هم بگویم؟! احتمالاً مانند همه فرزندان آدم (ع) عیوبی هم دارد، که توانایی‌ها، حسن‌ها و اخلاق خوش آنها

به نظرم کمی «تب آموزش خواهی» را پاشویه کرد: «ما رفیقی لاغر اندام و موفرفری داریم که این روزگار در سن سی و پنج سالگی به خوبی انگلیسی صحبت می‌کند، صخره نورد قدری است، شناگر ماهری است، بسکتبال را در لیگ کشوری بازی می‌کند، مهندس برق است، فوتبال سالنی اش عالی است، کوهنوردی و زدن قله از تفریحات سالمش است، در همونوا مدیر یکی از مراکز و از همکاران تأثیرگذار بوده و هست، بنیانگذار

سال گذشته جلسه‌ای داشتیم با پدران و مادرانی که کودکان شان در سنین گذار از مهد کودک به دبستان بودند. بیشتر آنها دغدغه آموزش‌های گوناگونی را داشتند که به نظرشان برای بچه‌ها لازم بود و نمی‌دانستند کجا می‌توانند برایش مدرسان توانمند و روش‌های موثر بیابند. تقاضاهایی هم از همونوا داشتند تا برای این آموزش‌ها تدبیر کند. نمونه‌ای به ذهنم رسید که در جلسه مطرح کردم و



رفیق بودم. پرسیدم: «آقا مسعودی، شما بچه کجایی؟ خودتان کودکان را چگونه گذرانیدید؟» توضیحی داد که کمی موضوع را روشن کرد: «من بچه‌آذربایجانم و شش سال اول زندگی ام را در روستا بزرگ شدم و بعد در پاسخ به سوال‌های من کمی از فضای پاک و باز روستا و فرصت‌های فراوان تجربه کردن و آزمودن تواناییها و ارتباط بی‌واسطه و بدون مزاحم با طبیعت گفت.»

موضوع خیلی برایم شفاف تر شد. هیچ کدام از مهارت‌ها و دستاوردهای زندگی پسر مستقیم از پدر یا تصمیمات او گرفته نشده، اما او همواره بستری برای پسرش فراهم کرده تا همه این توانایی‌ها در آن شکوفا شود. پسر کو «دارد» نشان از پدر ...

\* فرزندان، دوستان و همه کسانی که آقای مسعودی را می‌شناسند، او را این طور خطاب می‌کنند: «آقا مسعودی»

بار که با ایشان همسفر بودم دنبال راهی گشتم تا سر حرف را باز کنم و راز داشتن چنین فرزند توانمندی را کشف کنم، دلم را به دریا زدم و پرسیدم: «این پسر شما نمی‌خواهد از دواج کند؟» آقا مسعودی \* بی‌درنگ پاسخ داد: «خودش عاقله!» پرسیدم: «همیشه در موردش این طور فکر می‌کنید؟» لبخندی زد و پاسخ داد: «بله» از

### از کشاورزی گرفته تا کار فرفورژه و بنایی و اسکلت ساختمان چند طبقه زدن و سوله سازی در جنوب و کار با چوب ...

همان بچه‌گی می‌گفتم که او عاقل است و باور داشتیم که هست. به تصمیماتش احترام می‌گذاشتم. اگر از کارش ناراحت میشدم نظرم را می‌گفتم. من همیشه با بچه‌ها

را می‌پوشانند. به هر حال گویا فهمیده است که چگونه بفهمد چه چیزی را دوست دارد یا نیازش چیست، آن را یاد می‌گیرد و به کار می‌بندد.

پرسیدم: «کسی هست که تمام یا قسمتی از این خصوصیات را برای آینده فرزندش نخواهد؟ آیا از آموزش‌هایی که برای کودکان‌تان سراغ می‌گیرید چیزی فراتر از این می‌خواهید؟» جواب دادند که: «نه لطفاً از همین بدهید.»

آن وقت، برایشان گفتم که این رفیق ما تقریباً در مورد هیچ کدام از این موارد در دوران کودکی آموزش مستقیمی ندیده است اما پدری دارد که در حوزه کارهای فنی در طول زندگی اش هر کاری که دوست داشته و لازم بوده، آموخته و آن را به کار گرفته. از کشاورزی گرفته تا کار فرفورژه و بنایی و اسکلت ساختمان چند طبقه زدن و سوله سازی در جنوب و کار با چوب و از آن جایی که من خودم هم پدر دو پسر هستم همیشه نسبت به این موضوع کنجکاو بودم و یک





# کتاب

## مادر یک دقیقه ای

نام نویسنده / شاعر:

جانسون، اسپنسر

انتشارات: اردیبهشت

نویسنده در مقدمه کتاب می نویسد: مسلماً در اثر تجربیات شخصی دستگیرتان شده است که مادر خوب بودن به بیش از یک دقیقه وقت نیاز دارد، اما راهیابی وجود دارد که به شما اجازه می دهد فقط در یک دقیقه یا کمتر با کودکانتان ارتباط برقرار کنید و به آنها یاد بدهید که چگونه خودشان را دوست بدانند و بخواهند رفتار صحیح و خوبی داشته باشند.

### راز اول: اهداف یک دقیقه ای

این روش اولین راز پدری و مادری کردن یک دقیقه ای است، این اهداف چیزی نیستند جز چیزهایی که ما دوست داریم وقوع آنها را در خانواده ببینیم لذا آنها را در کمتر از ۲۵۰ کلمه و بر روی فقط یک برگه کاغذ یادداشت می کنیم.

### راز دوم: تحسین های یک دقیقه ای

دومین راز نیرومندترین روش است، در این روش به کودکان کمک می کنیم تا به ظرفیت و پتانسیل کامل خود برسند، آنها را در حین انجام کاری خوب گیر می اندازیم...

### راز سوم: سرزنش های یک دقیقه ای

این روش راه بسیار موثری است برای برخورد با وضعیتهای ناخوشایند بین دونفر قبیل از اینکه همه چیز بین آنها بهم بخورد و به یک رابطه ناانگار منجر شود.



# وبلاگ

## مادرانی مثل من...

نگین، چرا دیر اومدم؟  
اگر شما هم مست داشتن چنین غزلی بودین دیر میومدین.  
اما اومدم. اومدم برای اونهایی بنویسم که میگفتن همیشه.  
میگفتن این بچه ها مر یضند.  
میگفتن برو جنین اهدایی بگیر.  
میگفتن بچه خود آدم نمیشه.  
نه نمیشه. بچه زاییده خودم هم اینقدر عزیز نمیشه.  
حالا من میگم. ما غزل رو آوردیم. دخترم رو به خونه خودش آوردیم.  
گرچه بیمار اما شیرین.  
همتون میدونین که آسون به دستش نیاوردیم. میدونین توی این مدت چی گذشت. اما من بهتون میگم که...  
ادامه مطلب را در وبلاگ زیر بخوانید.

<http://madaranimesleman.persianblog.ir>



حمید ترقی‌جاه

## هنر کی درنگ

رشد: یعنی تقرب به حق، که گره بیشتر به آن ویرنگی  
فطرت انسان است.

حق: یعنی هستی آنچه‌ان که هست و هستها آنچه‌ان که  
هستند، (حق مطلق فطرت)، حق یعنی چنان بودن و عمل  
کردن که در فور و سزولولر هستی است آنچه‌ان که هست.  
پسر رشد یعنی تقرب به وجود مطلق، به کمال مطلق، به مصوب  
و مطلوب فطرتها، رشد یعنی تعلق به اخلاق الله و متکف

شمن به صفات هو، یعنی بهرمنند هر چه بیشتر از کمالات  
وجود، رشد یعنی شکوفایی فطرت الهی انسان.  
رشد، از طریق عبودیت خالصانه و عاشقانه حاصل می شود، از  
طریق راهی از خود و فداسته های خود و دل سپردن و گردن  
نهادن به فدا و فداسته های او.

### سمینار

دوران طلایی کودکی  
آیین حضور بر سرزمین روایی کودکی

### دوره

پرورش فرزند بالنده  
مربیگری، فرصتی نو برای بودن با کودک  
تربیت جنسی کودکان  
زبان زندگی، ارتباط همدلانه

### کارگاه

کتاب خوانی مشارکتی (۲۱)  
برنامه ریزی مشارکتی با کودک  
تربیت مهارت های اولیه زبانی و  
تقویت مهارت های اولیه ریاضی  
مهارت مدیریت تماشای تلویزیون  
خانواده صمیمی  
کج خلقی

### اشتراک

برای اشتراک در خبرنامه نوا و دریافت اطلاعات دوره های آموزشی  
موسسه همناوا به سایت [www.hamnava.org](http://www.hamnava.org)  
مراجعه نمایید. یا با آدرس و یا شماره تلفن  
مندرج در پایین صفحه تماس حاصل فرمایید.

۲

نشریه نوا | شهریورماه ۱۳۹۳ | ۸ صفحه | ۴۰۰۰ نسخه

### معرفی همناوا

همناوا نهادی رشد یابنده است که با آماده سازی بسترهای غنی برای هم افزایی در تمامی افراد و سازمان های مرتبط با کودک، تلاش می کند تا کیفیت زندگی و فرصت های رشدی کودکان را ارتقا دهد تا همه ی ابعاد وجودیشان برای داشتن جامعه انسانی پویاتر و بهره ور، امکان بروز و ظهور یابد.

مراقبه و محاسبه | گفتگو | همکاری و مشارکت | آگاهی افزایی | اختیار | حقوق فطری کودکان



تهران . خیابان دیباجی جنوبی . کوچه کاووس شرقی . بن بست گلنار . پلاک ۴  
تلفن ۲۲۷۸۵۲۷۳  
[www.hamnava.org](http://www.hamnava.org)

